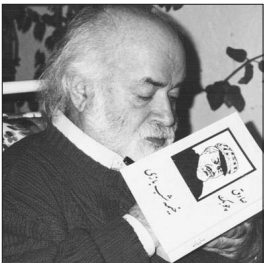


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## برای همسر م قدسی خانم وزادگاهم بوشهر



**صادق چوبک** (۱۴ تیر ۱۲۹۵ – ۱۳ تیر ۱۳۷۷) نام صادق چوبک پس از انتشار یکی دو اثر به نام‌های «خمه شب بازی» و «چرا دریا طوفانی شد»، با انتشار داستان بلند «تنگسیر» در سال ۱۳۴۲ بر سر زبان‌ها افتاد. شاید بسیاری از کسانی که اهل داستان خواندن نباشند هم صادق چوبک را به خاطر «تنگسیر» بشناسند چراکه امیر نادری، کارگردان نامدار کشورمان، بر اساس این داستان فیلمی به همین نام ساخت که بازی درخشان بهروز وثوقی در نقش زائر محمد در این فیلم به یاد ماندنی است. علاوه بر تنگسیر یکی از آثاری که سبب شهرت چوبک شد، رمان «سنگ صبور» است. او تنگسیر را به همسرش قدسی خانم و سنگ صبور را به زادگاهش بوشهر تقدیم کرد. چوبک به زبان انگلیسی مسلط بود و دستی نیز در ترجمه داشت. وی قصه معروف پینوکیو را با نام «آدمک چوبی» به فارسی برگرداند. شعر «غراب» اثر ادگار آلن پو نیز به همت وی ترجمه شد. صادق چوبک در داستان‌های خود به ذهن و روان قهرمان هایش توجه می کرد و می کوشید به شخصیت‌هایش عمق ببخشد. همین تلاش برای عمق بخشیدن به شخصیت‌ها، بر نحوه بیان وی تاثیر گذاشت. چوبک در توصیف واقعیت‌های زندگی نیز وسواس زیادی داشت و این نیز از ویژگی‌های آثار اوست. او را به سبب همین دقت نظر در جزئی نگری‌ها و درون‌بینی‌ها، رئالیست افراطی وگاهی ناتورالیست خوانده‌اند. صادق چوبک در اواخر عمر بینایی‌اش را از دست داد و اوایل تابستان ۱۳۷۷ درگذشت. آخرین اثر او با نام «مهپاره» در سال ۱۳۷۰ منتشر شد که ترجمه‌ای شیوا از یک داستان عاشقانه هندی است.

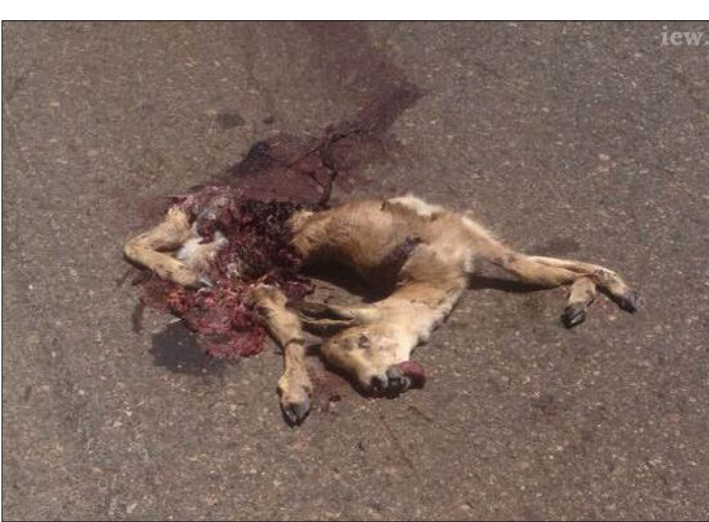
### خودزنی / محیط زیست

## جاده‌ای برای مرگ آهو‌ها

پناهگاه حیات وحش موته با مساحت ۲۰۴٫۳۵۰ هکتار در شمال استان اصفهان یکی از غنی‌ترین زیستگاه‌ها به لحاظ تنوع زیستی و تراکم حیات وحش شاخص در کشور به شمار می‌رود. تاکنون ۱۴۲ گونه مهره‌دار شامل ۲۵ گونه پستاندار، ۸۸ گونه پرنده، ۲۵ گونه خزنده، یک گونه دوزیست و ۳ گونه ماهی در این منطقه شناسایی شده است. عبور جاده آسفالت‌ه از میان پناهگاه موته این زیستگاه ارزشمند را به دو قسمت تقسیم و ارتباط اکولوژیک میان دو سمت جاده را تا حد زیادی قطع کرده است. این جاده تا ۳۰ سال قبل تنها یک مسیر خاکی و ناهموار برای دسترسی بومیان منطقه بود که با موافقت مدیران وقت سازمان محیط زیست به یک جاده آسفالت‌ه تبدیل شد در حالی که جاده میان‌گذر پناهگاه حیات وحش موته در امتداد هیچ مسیر ترانزیتی مهمی قرار ندارد. این جاده از میانه محور اصفهان -تهران جدا شده و به شهر گلیایگان متصل می شود و در مسیر عبور خود از قلب پناهگاه، به غیر از روستای کوچک موته، دسترسی به هیچ مکانی را فراهم نمی کند. این در حالی است که گلیایگان نیز چه از سمت تهران و چه از سمت اصفهان مسیرهای جایگزین و به مراتب مناسب‌تری دارد. متأسفانه اخیرا به بهانه خطر آفرین بودن، بنا دارند این جاده را دو بانده کنند و عملیات عمرانی برای احداث یک باند جدید در بیشتر مسیر آغاز و انجام شده است. دو بانده شدن جاده در تمام طول مسیر، به‌طور حتم نصب گاردریل را هم به دنبال خواهد داشت. در این صورت عملارفت و آمدوحوش رادر دو سمت جاده غیر ممکن خواهد کردو در نهایت درصدتصادفات حیات وحش را به شدت افزایش خواهد داد.

برخورد با خودروهای عبوری در این محور، همواره موجب مرگ و میر حیات وحش موته به خصوص آهوان بر شمار این منطقه می‌شود. ضمن اینکه وجود این جاده، دسترسی متخلفین به قلب منطقه به ویژه زیستگاه‌های آهو را آسان می‌کند و بر دشواری حفاظت از منطقه می‌افزاید. دو هفته قبل برخورد خودروهای عبوری با یک آهوی ماده منجر به مرگ آهو شد و از سرنوشت بره‌های این ماده آهو نیز اطلاعی در دست نیست اما به هرحال امکان ادامه حیات بدون حمایت و تغذیه از شیر مادر برای بره آهو‌ها میسر نخواهد بود. پس از چند روز در حادثه مشابه دیگری یک آهوی ماده و بره‌اش بر اثر برخورد با خودرو در همین محور تلف شدند. به فاصله کوتاهی از این حادثه، اوایل هفته گذشته دو بره آهوی دیگر نیز بر اثر برخورد با خودروهای عبوری در همین مسیر تلف شدند و…

سوال این است که چرا هیچ‌گونه تابلو هشداردهنده و عامل بازدارنده از جمله دور بین ثبت تخلفات به منظور کنترل سرعت خودروهای عبوری در این محور وجود ندارد؟ شاید بهتر باشد برای حفظ این ذخیره‌گاه ارزشمند که نز دیک به نیمی از جمعیت آهوی کشور را در خود جای داده است، این جاده با پیشنهاد سازمان حفاظت محیط زیست و تصویب هیات دولت از درون پناهگاه خارج شده و مسیر فعلی صرفا به عنوان یک جاده توریستی و به منظور دسترسی محلی استفاده شود.



**فارسی را پاس بداریم**

## آیا دانشمندان ما به واکسن بدنویسی دست خواهند یافت؟

بیماری مسری؛ این درست‌ترین عبارتی است که تا امروز برای توصیف «بدنویسی» به ذهن ناآنانم رسیده است. بنده به جد معتقد کم بدنویسی یک بیماری مسری است و بیماری مسری هم بزرگ و کوچک و زن و مرد و پیر و جوان نمی‌شناسد. وقتی می‌رسد یقه‌ی همه را می‌گیرد و هرکه را که زورش کمتر باشد، زودتر از یاد می‌آورد. راستش را بخواهید وقتی به این فکر می‌کنم که بیماری بدنویسی به طرز فجیعی در میان ما شایع شده‌دم می‌خواهد برگردم به روزگاران دور. بسیار بسیار دور. به زمانی که تنها عده‌ای محدود از نعمت سوادآموزی و خواندن و نوشتن برخوردار بودند و دیگران ـیعنی اکثریت قریب به اتفاق مردم ـ سر در کار خود داشتند و نه می‌خواندند و نه می‌نوشتند. آن وقت‌ها حداقل این فارسی مادر مرده، زبان به زبان می‌چرخید، نه دست به دست؛ آن هم روی گوشی‌های تلفن همراهی که عرض و طول شان گاهی واقعا آدمی را به خنده می‌اندازد.

فاصله میان گفتن تا نوشتن، فاصله عجیبی است. اغلب ما وقت حرف زدن می‌توانیم یک ماجرا

**نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر**

## چرا جوان‌ها موسیقی پاپ را دوست دارند؟

«روانکاوی فرهنگ عامه» تجدید چاپ شد

دکتر حسین پاینده، نویسنده، منتقد ادبی، منتقد فیلم و استاد نظریه و نقد ادبی دانشگاه علامه طباطبایی از انتشار ویراست جدید کتاب «روانکاوی فرهنگ عامه» خبر داد.

دکتر پاینده با ذکر این نکته‌که چاپ نخست ترجمه او از کتاب «روانکاوی فرهنگ عامه» نوشته تری ریچاردز، چند سال پیش منتشر شده گت: «اینک چاپ چهارم و روزآمد شده این اثر را انتشارات مروارید منتشر کرده است».

این کتاب یکی از منابع اصلی مطالعات فرهنگی به زبان فارسی است که جلوه‌هایی از رفتارهای روزمره در فرهنگ معاصر را از منظر نظریه روانکاوی تحلیل می‌کند. نویسنده در هر فصل مهم‌ترین مفاهیم این حوزه مهم از علوم انسانی را در بحث راجع به جنبه‌های گوناگون فرهنگ عامه، با استناد به کتاب‌ها و مقالات مشهورترین نظریه‌پردازان مطالعات فرهنگی شرح می‌دهد و سپس به نمونه‌هایی از ارزشمندترین تحقیقاتی اشاره می‌کند که با اتخاذ همین رهیافت انجام شده‌اند. از این رو می‌توان گفت کتاب «روانکاوی فرهنگ عامه»، هم نظریه‌های مطالعات فرهنگی را به روشنی معرفی می‌کند و هم با ذکر جزئیات پژوهش‌های شاخص، الگویی از تحقیقات علمی در این زمینه‌های روی خواننده ایرانی قرار می‌دهد.

در فصل‌های مختلف این کتاب به موضوعاتی از این قبیل پرداخته می‌شود: چرا فوتبال تا به این حد پُرطرفدار است؟ جایگاه انومیبل در فرهنگ مدرن چیست و چرا برخورداری از انومیبل به موضوعی حیاتی در زندگی بسیاری از ما تبدیل شده است؟ علت جذابیت فیلم‌ها و رمان‌های عامه‌پسند چیست؟ ولع خرید از کجا ناشی می‌شود و چرا زرق و برق کالای جدید برای ما اینچنین فریبنده است؟ آگهی‌های تجاری و تبلیغات کالا یا توسل به کدام تدابیر در ما اثر می‌گذارد؟ شیفتگی جوانان به موسیقی پاپ ریشه در چه عوامل ناخودآگاهانه‌ای دارد؟

### گردش روزگار برعکس است



.... عشق داند که در این دایره سرگردانند...

### با کاروان حله / اخبار هنر

## عذر خواهی رسمی جیم کری در توئیتر

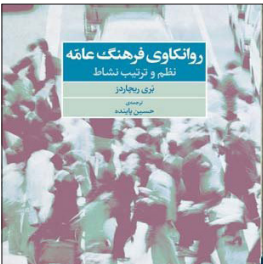


جیم کری بازیگر سرشناس هالیوود به خاطر انتشار بدون اجازه عکس یک کودک مبتلا به اوتیسم در صفحه توئیتر خود عذرخواهی کرد. جیم کری بازیگر «احمق و احمق‌تر»، در ادامه مخالفت با واکسیناسیون، عکسی از یک کودک مبتلا به اوتیسم را بدون اجازه والدین این کودک در توئیتر منتشر کرده و بیماری این کودک را ناشی از واکسیناسیون دانسته بود. این بازیگر مطرح سینمای هالیوود

پنجشنبه یازدهم تیر (دوم جولای) به خاطر انتشار بدون مجوز عکس این کودک عذرخواهی کرد. کری پس از اعتراض کارن اکولز مادر این کودک، عکس او را از توئیتر خود پاک کرده و رسماً از خانواده او عذرخواهی کرد. اکولز خطاب به کری در توئیتر نوشت: «لطفا عکس پسرم را پاک کنید. شما اجازه استفاده از این عکس را ندارید.» یکی دیگر از اقوام این کودک، با بیان اینکه انتشار عکس این کودک، نوعی استفاده ابزاری از این بیماری است، گفت که این پسر بچه پیش از واکسیناسیون به اوتیسم مبتلا شده است. او با بیان اعتراض خود به این کار جیم کری، به او پیشنهاد کرد که به جای مبارزه با واکسن زدن، برای تولید واکسن‌های عاری از سم تلاش کند. کری که به طور جدی با واکسیناسیون مخالف است، پس از تصویب قانون واکسیناسیون اجباری کودکان در کالیفرنیا، نسبت به تصویب این قانون دست به اعتراضی گسترده در توئیتر زد. بر طبق این قانون دیگر کسی نمی‌تواند به خاطر عقاید شخصی از واکسن زدن به کودکان معافیت به عمل آورد.

تاکی به هوای خلد خوانی ما را
یا در غم دوزخ بنشانی ما را
عمری‌ست ز بیدلی به خود ساخته‌ایم
یارب ز در خویش مرانی ما را
(مولانا عبدالقادر بیدل دهلوی، قرن یازدهم، رباعیات)

## سوت پایان



روانکاوی فرهنگ عامه
نویسنده: بری ریچاردز
حسین پاینده
ناشر: مروارید
قیمت: ۱۳ هزار و هشتصد تومان
صفحه ۲۵۸

دکتر تری ریچاردز، مؤلف این کتاب، استاد دانشگاه بُرنموت در انگلستان و مدیر مرکز تحقیقات ارتباطات عمومی در این دانشگاه است. او قبلاً استاد روابط انسانی در دانشگاه شرق لندن بوده است. وی ابتدا در رشته روان‌شناسی بالینی تحصیل کرد و متعاقباً در جامعه‌شناسی تخصص گرفت. به علت همین پس‌زمینه تحصیلی، ریچاردز به ادغام بصیرت‌های روانکاوانه در تحقیقات فرهنگی و اجتماعی علاقه‌مند است و رهیافت روانکاوانه فرهنگی را نظریه‌پردازی کرده است. از دکتر ریچاردز تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به کتاب «تمثال‌های فروید» (۱۹۸۹) و «بویش‌شناسی تبلیغات کالا» (۲۰۰۰) اشاره کرد.

## یک عاشقانه ناآرام



مجموعه «شهرزاد» دوازدهم تیر ماه با حضور عوامل اصلی آن، تعدادی از خبرنگاران و همچنین جمعی از مخاطبان در شهرک سینمایی غزالی که محل فیلم‌برداری پروژه در این روزهاست رونمایی شد. علی نصیریان، شهاب حسینی، ترانه علیدوستی، مصطفی زمانی، پریناز ایزدیار، امیرحسین رستمی و مهدی سلطانی، سهیلارضوی، رامین ناصر نصیر، گلاره عباسی و... در این مراسم حضور داشتند. این

مراسم ساعت ۲۰، با اجرای شهرام شکبیا شروع شد. او ضمن خوشامدگویی به حضار، صحبت خود را با تاکید بر اینکه «شهرزاد» اولین مجموعه بزرگ تاریخی است که در شبکه نمایش خانگی تولید می‌شود، آغاز کرد و یادآور شد که تهیه آن به‌طور کامل بر عهده‌بخش خصوصی است. شکبیا همچنین با اعلام این نکته که پخش «شهرزاد» پس از فیلم‌برداری کامل آن انجام می‌شود گفت: «این مجموعه خیال مخاطب را از این نظر که پایان‌بندی درستی برای آن در نظر گرفته‌اند راحت می‌کند و اومی‌تواند آن را از ابتدا تا انتها تماشا کند. بدون اینکه در مورد باخبر شدن از آخر داستان، نگرانی داشته باشد». این گفته و اشاره به این مسأله داشت که در چند سال اخیر در شبکه نمایش خانگی قسمت‌های پایانی برخی از مجموعه‌ها ساخته نشدند و مخاطبی که آن را دنبال کرده بود سردرگم‌ماند و البته اعتمادش نیز سلب‌شد. حسن فتحی در ساخت سریال تجربه و سابقه خوبی دارد و در این سریال جمعی از بازیگران متعلق به نسل‌های گوناگون بازیگری را دعوت به کار کرده. از این روحانتمال دارد. باتماشای «شهرزاد» اعتماد از دست‌رفته به مخاطب شبکه‌نمایش خانگی بازگردد.

باشیم به هر قیمتی که شده بنویسیم. چون حاصل کار، چنان متن اُشفته و مغلوطی خواهد بود که خودمان هم ـ احتمالاً ـ از خواندنش خجالت می‌کشیم. متأسفانه از وقتی دانش رواج یافت و قاطبه مردم از نعمت سواد برخوردار شدند روز به روز بر این اجبارها افزوده شد. ما مجبور شدیم انشا بنویسیم. مجبور شدیم نامه اداری بنویسیم. مجبور شدیم تحقیق درسی بنویسیم. مجبور شدیم به هم پیامک بدهیم. مجبور شدیم «همین الان بیهوی» «در فیس‌بوکمان چیزی بنویسیم، و همین‌طور که مشغول مجبور شدن بودیم، اشتباه‌نوشتمیم و اشتباهاتمان را در اختیار دیگران قرار دادیم و گذشت تا امروز که بدنویسی شده است بیماری مسری‌ای که هیچ واکسنی برای آن کشف نشده است و گمان نمی‌کنم دانشمندان و زبان‌شناسان آن سوی عالم دلیل موجهی برای کشف چنین واکسنی داشته باشند. دانشمندان خودمان هم بعید است دغدغه زبان مادری داشته باشند و بعیدتر آن است که فکر تهیه «واکسن بدنویسی» به ذهنشان خطور کند.

ما واقعا می‌خواهیم با این بیماری مسری چه کنیم؟ در باره این موضوع باز هم خواهیم نوشت.